



اِدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾
 وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَاعُوذُ بِكَ
 رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّى اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ
 رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا اِنَّهَا
 كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾
 فَاِذَا نْفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ
 ﴿١٠١﴾ فَمَنْ تَقُلْتَ مَوَازِينُهُ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾
 وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَاُولَئِكَ الَّذِي خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ
 فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ
 ﴿١٠٤﴾ اَلَمْ تَكُنْ اَيَّتِي تُتلى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا
 رَبَّنَا عَلَبَبْتَ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا
 اَخْرِجْنَا مِنْهَا فَاِنْ اَعَدْنَا فَاِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اَخْسَعُوا فِيهَا
 وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ اِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا اٰمَنَّا
 فَاغْفِرْ لَنَا وَاَرْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ
 سَخِرِيًّا حَتَّى اَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾
 اِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا اِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿١١١﴾

سوره مؤمنون، آیات ۹۶ تا ۱۱۱

بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم. ۹۶

و بگو پروردگarem! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم. ۹۷

و پروردگarem! از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم. ۹۸

تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گویند پروردگarem! مرا بازگردانید. ۹۹

شاید من در آنچه وانهادهام کار نیکی انجام دهم. [به او گفته می‌شود] هرگز این سخنی است که او [به زبان] می‌گوید و به دنبال [این زندگی] آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. ۱۰۰

پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میانشان نسبت خوشاوندی وجود ندارد و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند. ۱۰۱

پس کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سنگین باشد آنان رستگارانند. ۱۰۲

و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد اینان کسانی هستند که [سرمایه‌های] خود را از دست داده [و] همیشه در جهنم می‌مانند. ۱۰۳

آتش، چهره آنها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش‌روینند. ۱۰۴

آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن را تکذیب می‌کردید؟ ۱۰۵

می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد. زیرا، گروهی گمراه بودیم. ۱۰۶

پروردگارا! ما را از اینجا بیرون ببر و اگر باز هم بدی کردیم، در آن صورت ستمکار خواهیم بود. ۱۰۷

خدا می‌فرماید: بروید در آن گم شوید و با من سخن نگویند. ۱۰۸

در حقیقت دسته‌ای از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم. ما را بیخس و به ما رحم کن که تو مهربان‌ترینی. ۱۰۹

و شما آن مؤمنان را به ریشخند گرفتید تا با این کار یاد مرا از خاطرتان بردید و شما بر آنان می‌خندیدید. ۱۱۰

من هم امروز به پاس آنکه آنان صبر کردند، به آنان پاداش دادم. آری آنان همان رستگارانند. ۱۱۱

زمانی که مجاهدی در راه خدا به شهادت می‌رسد یا مادری پس از تربیت فرزندان شایسته، چشم از دنیا فرو می‌بندد یا پدری پس از سال‌ها تلاش و کوشش در بستر بیماری جان می‌سپرد و به‌طور کلی وقتی انسان‌ها می‌میرند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟ آیا ارتباطشان کاملاً با دنیا قطع می‌شود؟ آیا به صورت مستقیم وارد جهان آخرت می‌شوند؟ یا آنکه مرحله‌ای دیگر را پیش رو خواهند داشت؟ اگر چنین است، آن مرحله چه نام دارد؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چه رابطه‌ای میان دنیا و آن مرحله وجود دارد؟

عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته است و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می‌شوند و تا قیامت در آنجا می‌مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت‌های آن برخوردار و اگر بدکار و شقی باشند، از رنج‌ها و دردهای آن متألم می‌گردند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ	آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد
قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ	می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا	باشد که عمل صالح انجام دهم؛
فِيمَا تَرَكْتُ	آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا	هرگز! این سخنی است که او می‌گوید
وَمِن وَّرَائِهِم بَرْزَخٌ	و پیش‌روی آنها برزخ و فاصله‌ای است
إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ	تا روزی که برانگیخته می‌شوند. ^۱

■ ویژگی‌های عالم برزخ

۱- وجود حیات

پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود اما فرشتگان، حقیقت وجود انسان را که همان روح اوست، «توفی» می‌کنند.^۲ یعنی آن را به‌طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. بنابراین، گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد اما روح، همچنان به حیات و فعالیتش ادامه می‌دهد.

۲- وجود شعور و آگاهی

با توجه به اینکه عامل شعور و آگاهی انسان در دنیا روح وی است و روح در برزخ، به حیات خود ادامه می‌دهد، یکی از ویژگی‌های برزخ، وجود شعور و آگاهی در آن خواهد بود. براساس آیات و روایات برخی از نشانه‌های شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ عبارت است از:

۱- سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰

۲- سوره نساء، آیه ۹۷؛ سوره انعام، آیه ۶۱

الف) گفت و گوی فرشتگان با انسان : به عنوان نمونه در سوره نساء آمده است که، فرشتگان به ظالمان خطاب کرده و از احوال آنها می پرسند و در مقابل، آنها پاسخ داده و خود را از مستضعفین بر روی زمین معرفی می کنند^۱. این مکالمه و طرف خطاب قرار دادن، دلیلی بر وجود شعور و آگاهی در برزخ است.

ب) سخن گفتن پیامبر ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر : در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا ﷺ آن کشتگان را این گونه مورد خطاب قرار داد :

«آنچه پروردگاران به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟».

اصحاب گفتند : «ای رسول خدا ﷺ چگونه با آنها سخن می گویی در حالی که مرده اند؟!». حضرت فرمود : «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند و فقط نمی توانند پاسخ دهند».

۳- وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا :

با مرگ انسان و ورود وی به عالم برزخ، ارتباط او با دنیا به طور کامل قطع نمی شود. برخی از نشانه های تداوم این ارتباط عبارت است از :

الف) بسته نشدن پرونده اعمال : پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی شود و امکان دارد بر اعمال نیک و بد آن افزوده و یا از آنها کاسته شود.

يُنْتَبِئُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ
بِمَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ

در آن روز به انسان خبر داده می شود
به آنچه پیش [از مرگ] فرستاده و آنچه پس [از
مرگ] فرستاده است.^۲

همان گونه که قرآن کریم می فرماید، دامنه برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پرونده این اعمال بسته می شود (آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما پرونده بسیاری از اعمال حتی بعد از حیات ما نیز باز می ماند (آثار ما تأخر)؛ به عنوان مثال اگر کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموزش دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران

۱- کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند درحالی که به خویشان ستم کرده بودند، به آنها گفتند : «شما در چه حالی بودید؟» گفتند : «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم». فرشتگان گفتند : «مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند. سوره نساء، آیه ۹۷

۲- محجة البیضاء، فیض کائناتی، ج ۸، ص ۲۹۶

۳- سوره قیامت، آیه ۱۳

خوانده می‌شود و آموزش‌های وی به دیگران منتقل می‌شود یا از آن استفاده می‌شود، در پرونده عمل او پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند، گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم نادرست و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می‌گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در فرد یا جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روز به روز بر عذاب وی افزوده می‌شود. مدسازهای غلط، تولید و نشر مطالب نامناسب و غیراخلاقی در فضای مجازی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه‌هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پرونده گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند و هرکس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند.

فعالیت کلاسی

نمونه‌هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند و بعد از مرگ انسان ادامه می‌یابند.

.....

.....

بیشتر بدانیم



دومینویی به امتداد جهان آخرت

آیا تاکنون به سرگرمی دومینو دقت کرده‌اید؟ هزاران قطعه، در برنامه‌ای از قبل تنظیم شده،

انرژی خود را به قطعات دیگر منتقل می‌کنند و در چند ثانیه پدیده‌ای جذاب، و لذت‌بخش به وجود می‌آورند. اما برخی دومینوها از قطعات و اجسام مادی و در فضای مادی، شکل نمی‌گیرند و قطعه‌هایشان محدود به هزاران و صدها هزار نمی‌شود. این دومینوها زمانی بیش از ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و حتی سال‌ها برای کامل شدنشان طی می‌کنند و حتی ممکن است به آن سوی حیات

انسان کشیده شوند و مهم‌تر از همه اینکه سرگرمی نیستند! چون هم ممکن است به فاجعه‌ای هولناک تبدیل شوند و هم ممکن است آینده‌ای درخشان را در پی داشته باشند!

جالب است که تک‌تک من و شما در این دومینو، شرکت داریم.

دومینویی که آن را «forward» یا «copy and paste» می‌نامند و با «send» نقش ما در آن پایان می‌یابد.

هر چند نقش پایان می‌یابد؛ اما آثارش آغاز می‌شود؛ آثاری که برای همیشه پایدار است؛ حتی برای پس از ما.

ب) دریافت پاداش خیراتِ بازماندگان : اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند مانند دادن صدقه، طلب مغفرت، دعای خیر و انفاق برای آنان، در عالم برزخ به آنها می‌رسد و در سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد.

ج) ارتباط متوفی با خانواده : شخصی از امام کاظم علیه السلام دربارهٔ وضعیت مؤمنان پس از مرگ پرسید : «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟»

فرمود : آری

پرسید : چقدر؟

فرمود : «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه».

تدبیر

با دقت در ترجمه آیات زیر بگویید هریک از آیات به کدام یک از ویژگی‌های عالم برزخ اشاره دارند؟

■ فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند درحالی که به خود ظلم کرده‌اند، می‌گویند : شما در [دنیا] چگونه بودید؟ گفتند : ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند : مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟

سورهٔ نساء، آیهٔ ۹۷

■ آنان که فرشتگان روحشان را می‌گیرند درحالی که پاک و پاکیزه‌اند، به آنها می‌گویند : «سلام بر شما، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام دادید.»

سورهٔ نحل، آیهٔ ۳۲

منظور از فشار قبر و عذاب‌های داخل قبر چیست؟ آیا منظور تنگ شدن قبر خاکی و عذاب جسم بی‌جان انسان است؟

در روایات هر جا که سخن از عذاب قبر به میان آمده است، منظور قبرهای دنیوی نیست؛ بلکه در این روایات، قبر کنایه از عالم برزخ است و فشار قبر فشاری است که به روح انسان، به علت قطع تعلق از دنیا و ورود به عالم برزخ وارد می‌شود. توضیح اینکه، با مرگ انسان و جدا شدن روح از بدن، انسان به عالم برزخ وارد می‌شود؛ عالمی که دارای ویژگی‌ها و معیارهای دنیا نیست و از این رو انسان با محیطی ناشناخته و متفاوت با دنیا مواجه می‌شود. انسان‌هایی که در زندگی دنیوی موفق به ترک تعلق به دنیا نشده‌اند و اسیر دنیا و تعلقات آن بوده‌اند و انس با دنیا و دلبستگی شدید به آن هنوز در قلب و روح آنها وجود دارد، با ورود به این عالم جدید و از دست دادن دلبستگی‌های دنیوی، دچار ترس و وحشت می‌شوند و همچنین به دلیل گناهایی که انجام داده‌اند، در عذاب و فشار روحی قرار می‌گیرند. هرچه انس و تعلق انسان به دنیا بیشتر باشد، این فشارها و وحشت‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه تعلق کمتر باشد، این ترس و فشار کمتر می‌شود. پس این عذاب و فشار قبر به معنای تنگ شدن قبر خاکی نیست؛ بلکه منظور در فشار و عذاب بودن روح انسان است.^۱

اندیشه و تحقیق

۱- منظور از کلمه «تَوَفَّى» در قرآن کریم، چیست و برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است؟

۲- هریک از موارد زیر به کدام یک از ویژگی‌های برزخ اشاره دارد؟

الف) تلقین میّت به هنگام دفن

ب) انجام خیرات و طلب آمرزش برای گذشتگان

ج) زیارت قبور درگذشتگان

۱- زندگی پس از مرگ، حسین سوزنجی، صص ۶۷-۶۶



آرم روبه‌رو مربوط به کدام یک از مؤسسات است؟
ارتباط آن را با بحث اعمال ماتقدم و ماتأخر بیان کنید.

سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با مردگان!

حضرت علی علیه السلام در راه بازگشت از جنگ صفین به قبرستانی رسیدند. در این هنگام، روبه سوی قبرها کردند و فرمودند:

«... ای آرמידگان در خانه‌های هراسناک، ای اهل غربت و تنهایی، ای فرورفتگان در وحشت، شما در رفتن بر ما پیشی گرفتید و ما از بی شما می‌آییم و به شما ملحق می‌شویم؛ اما خانه‌هایی از خود به جای گذاشتید که پس از شما در آن مسکن گزیدند؛ همسران‌تان ازدواج کردند و اموالتان میان وارثان تقسیم شد. اینها خبرهایی بود که ما داشتیم، شما چه خبری برای ما دارید؟»
سپس به یاران خود نگاه کردند و فرمودند: «اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد، خبر می‌دادند و می‌گفتند: یقیناً بهترین توشه [برای ابدیت] تقواست.»

نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
معلم	دفتر انتشارات اسلامی	علامه محمدحسین طباطبایی	حیات پس از مرگ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ١ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ٢ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ٣
 ٤ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ٥ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ٦
 ٧ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ٨ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ٩
 ١٠ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ١١ وَإِذَا الْمَاءُ رَدَّةٌ سُئِلَتْ ١٢
 ١٣ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ١٤ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ١٥
 ١٦ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ١٧ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ١٨
 ١٩ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ٢٠ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ٢١
 ٢٢ فَلَا أَسْمُ بِالْحُنَّسِ ٢٣ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ٢٤ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ٢٥
 ٢٦ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ٢٧ إِنَّهُمْ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ٢٨
 ٢٩ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ٣٠ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ٣١
 ٣٢ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ٣٣ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفُقِ الْمُبِينِ ٣٤
 ٣٥ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ٣٦ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ٣٧

سورة تکویر، آیات ۱ تا ۲۵

به نام خداوند رحمت گر مهربان

۱. آنگاه که خورشید به هم در پیچد.
۲. و آنگاه که ستارگان تیره شوند.
۳. و آنگاه که کوه‌ها حرکت داده شوند.
۴. و آنگاه که شتران ماده [به هنگام زادن] و نهاده شوند.
۵. و آنگاه که حیوانات وحشی گرد آورنده شوند.
۶. و آنگاه که دریاها جوش آورده شوند.
۷. و آنگاه که افراد با همجنس خود قرین شوند.
۸. و هنگامی که از دختران زنده به گور شده بپرسند.
۹. به کدامین گناه کشته شدند.
۱۰. و آنگاه که نامه‌های اعمال باز شوند.
۱۱. و آنگاه که آسمان از جا کنده شود.
۱۲. و آنگاه که جهنم پرا فروخته شود.
۱۳. و آنگاه که بهشت نزدیک شود.
۱۴. هر کسی بی ببرد چه فراهم کرده است.
۱۵. سوگند می‌خورم به آن ستارگان غایب شونده [به هنگام روز]؛
- همان روندگان پنهان شونده،
۱۶. سوگند به شب چون پشت کند.
۱۷. سوگند به صبح چون بدمد.
۱۸. که [قرآن] سخن فرستاده‌ای بزرگوار است.
۱۹. نیرومندی [که] نزد صاحب عرش، مقامی بلند دارد.
۲۰. در آنجا مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است.
۲۱. و همنشین شما [محمد] دیوانه نیست.
۲۲. و قطعاً آن [فرشته وحی] را در افق درخشان دیده.
۲۳. و او در امر غیب بخیل نیست.
۲۴. و [قرآن] سخن شیطان رانده شده نیست.
- ۲۵.



درس هفتم واقعه بزرگ



همه در حال و هوای خویش اند؛ کودک، جوان، پیر؛ که ناگهان اتفاق می افتد؛

آنچه وعده اش داده شده بود،

آنچه وقوعش حتمی و زمانش نامعلوم بود و ما آن را دور می پنداشتیم.

قیامت اتفاق می افتد تا آغازی باشد بر حیات ابدی انسان.

روزی که هر مادر شیردهی، طفل شیرخوار خود را فراموش می کند. مردم از هیبت آن روز همچون

افراد مست به نظر می رسند؛ درحالی که مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است.^۱

و تنها نیکوکاران اند که از وحشت این روز در امان اند.^۲

اما این واقعه با چه حوادثی همراه است؟ چه مراحل دارد؟

۱- سوره حج، آیه ۲

۲- سوره نمل، آیه ۸۹

پایان این جهان با برپایی قیامت همراه است. این رخداد بزرگ که در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می‌گیرد که در هر مرحله وقایع خاصی رخ می‌دهد.

الف) مرحله اول قیامت

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

- ۱- شنیده شدن صدایی مهیب: صدایی مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد. و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند؛ قرآن کریم از این واقعه به نفع صورت یاد می‌کند.^۱
- ۲- مرگ اهل آسمان‌ها و زمین: همه اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند^۲ و بساط حیات انسان و دیگر موجودات برچیده می‌شود.
- ۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها: تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌پیچد و بی‌نور و تاریک می‌شود.^۴ آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک‌باره تیره می‌شوند،^۵ زمین به شدت به لرزه در می‌آید^۶ و خرد می‌شود،^۷ کوه‌ها سخت در هم کوبیده شده^۸ و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند.^۹

در آن روز که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه درآیند

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

و کوه‌ها (چنان درهم کوبیده شوند که) به صورت

وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلاً

توده‌هایی از شن نرم درآیند.^{۱۰}

دریاها با آن همه وسعت و عظمت به هم متصل می‌شوند^{۱۱} و از درون آنها آتش زبانه می‌کشد.^{۱۲} این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند.^{۱۳}

ب) مرحله دوم قیامت

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا انسان‌ها آماده دریافت پاداش و کیفر شوند.

۱- زنده شدن همه انسان‌ها: بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود.^{۱۴} با این صدا، همه مردگان دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند. در

۱- سوره زمر، آیه ۶۸

۲- سوره زمر، آیه ۶۸

۳- بنابر روایات، پیامبران الهی و امامان بزرگوار از این قضیه استثناء شده‌اند. (انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبایی، ص ۹۳)

۴- سوره تکویر، آیه ۱

۵- سوره تکویر، آیه ۲

۶- سوره واقعه، آیه ۴

۷- سوره فجر، آیه ۲۱

۸- سوره حاقه، آیه ۱۴

۹- سوره واقعه، آیات ۵ و ۶

۱۰- سوره مزمل، آیه ۱۴

۱۱- سوره انفطار، آیه ۳

۱۲- سوره تکویر، آیه ۶

۱۳- سوره ابراهیم، آیه ۴۸

۱۴- سوره زمر، آیه ۶۸

این هنگام انسان‌های گناهکار به دنبال راه فراری می‌گردند؛ دل‌های آنان سخت هراسان و چشم‌هایشان از ترس به زیر افکنده است.^۱

۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم: در آن روز با تابدن نور حقیقت از جانب خداوند پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود^۲ و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیت انسان‌ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، آشکار می‌شود.

۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی: با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می‌شود و اگر عملی حتی به اندازه ذره‌ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.^۳ اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛ از این رو هر چه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش افزون‌تری خواهد داشت.

۴- دادن نامه اعمال: نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه عمل بدکاران را به دست چپ آنها می‌دهند.^۴ نامه عمل انسان با نامه‌های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه‌های این دنیا، تنها گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده است؛ اما نامه عمل انسان به گونه‌ای است که خود عمل و حقیقت و باطن آن را در بر دارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند و انسان عین اعمال خود را می‌بیند. کارهای خوب با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابند و کارهای بد با صورت‌های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزاردهنده، مجسم می‌شوند.

با دیدن نامه اعمال، برخی بدکاران به انکار اعمال ناشایست خود روی می‌آورند تا جایی که برای نجات خود از مهلکه به دروغ سوگند می‌خورند که چنین اعمالی انجام نداده‌اند.^۵ در این هنگام، خداوند شاهدان و گواهانی را حاضر می‌کند، که با وجود آنها دیگر انکار کردن میسر نیست.

۵- حضور شاهدان و گواهان: براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان‌ها در پیشگاه خداوند شهادت می‌دهند. برخی از این شاهدان عبارت‌اند از:

الف) پیامبران و امامان: ایشان همان گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند، در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل الهی‌اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر

۱-سوره نازعات، آیات ۸ و ۹

۲-سوره زمر، آیه ۶۹

۳-سوره انبیاء، آیه ۴۷

۴-سوره حافه، آیات ۲۶-۱۹

۵-سوره مجادله، آیه ۱۸

خطایی مصون و محفوظ اند، بهترین گواهان قیامت اند. رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امت هاست.^۱

ب) فرشتگان الهی: فرشتگان در طول زندگی انسان ها، همواره مراقب آنها بوده اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده اند.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ
كِرَامًا كَاتِبِينَ
يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

بی گمان برای شما نگهبانانی هستند،
نویسندگانی گران قدر،
می دانند آنچه را که انجام می دهید.^۲

ج) اعضای بدن انسان: برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می کنند و علیه صاحب خود شهادت می دهند.

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ
وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ
وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

امروز بر دهانشان مهر می نهیم
و دست هایشان با ما سخن می گوید
و پاهایشان شهادت می دهد
درباره آنچه انجام داده اند.^۳

بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی سرزنش آمیز می گویند که چرا علیه ما شهادت می دهید؟ اعضای بدن آنها می گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن آورد.^۴

۱- سورة نساء، آیه ۴۱

۲- سورة انفطار، آیات ۱۲-۱۰

۳- سورة يس، آیه ۶۵

۴- سورة فصلت، آیه ۲۱

در روز قیامت افراد بدکار با دیدن حقیقت آن جهان و عاقبت شوم خویش، شروع به سرزنش خود کرده و آرزو می‌کنند که ای کاش...

■ ای کاش برای این زندگی ام چیزی از پیش فرستاده بودم. سوره فجر، آیه ۲۴

■ ای کاش (به دنیا) بازگردانده می‌شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌بودیم. سوره انعام، آیه ۲۷

سوره انعام، آیه ۲۷

■ ای کاش همراه و هم‌مسیر با پیامبر می‌شدیم. سوره فرقان، آیه ۲۷

■ ای کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت. سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹

سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹

با توجه به آیات بالا بگویید برای اینکه ما از حسرت خوردگان آن جهان نباشیم، بایستی در این دنیا چگونه زندگی کنیم؟

.....

.....

پناه من باش!

حضرت علی علیه السلام در مناجات خود در مسجد کوفه این گونه با خدا درباره روز قیامت سخن می‌گوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ،

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

خدایا پناه من باش در روزی که نه مال به درد انسان می‌خورد نه فرزند و تنها آوردن قلبی پاک به نزد خداست که انسان را فایده می‌بخشد.

وَأَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ،

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

خدایا پناه من باش روزی که گناهکار دست حسرت به دندان می‌گزد
می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه می‌شدم.

... وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانَ يَوْمَ يَفْرُغُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتَيْهِ وَ بَنِيهِ
خدایا پناه من باش روزی که انسان حتی از برادر، مادر، پدر، دوست و فرزند خود فرار می‌کند.

وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ، لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ وَ صَاحِبَتَيْهِ وَ أَخِيهِ
وَ فَصِيلَتَيْهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ
خدایا به من پناه ده در روزی که انسان‌های گناهکار حاضرند فرزند، دوست، برادر و خویشان بلکه تمام
مردم زمین به جای آنها عذاب شوند تا خود نجات یابند.

پاسخ سوالات شما

وقتی خداوند شاهد اعمال انسان است، دیگر چه نیازی به حضور شاهدان دیگر دارد؟
درست است که خداوند برای حسابرسی به اعمال انسان نیاز به هیچ شاهدی ندارد؛ اما باز هم
به دلیل لطف و عنایتی که به بندگانش دارد، شاهدانی را بر اعمال انسان می‌گمارد تا شاید انسان
با توجه به این مسئله که تک تک اعمالش زیر نظر ناظران و گواهان بسیار است، از ارتکاب
گناه خودداری کند، زیرا این خصلت انسان است که هر چه حضور ناظران و شاهدان را بیشتر
احساس کند، در رفتار خود دقت بیشتری می‌کند. اگر انسان بداند که هر عملی که انجام می‌دهد،
علاوه بر آنکه خدا شاهد اوست، پیامبر، امامان، ملائک و ... نیز ناظر بر اعمال اویند، انگیزه پرهیز
از گناه در دلش قوی‌تر می‌شود و این موضوع وی را به حفظ هرچه بیشتر حریم و حدود الهی
وا می‌دارد.

همچنین، این مسئله نشان می‌دهد که زمین، اعضای بدن و هر آنچه در اطراف ماست و خداوند
از آنها به عنوان شاهد یاد می‌کند، دارای شعور و آگاهی‌اند و از آنچه ما انجام می‌دهیم آگاه‌اند و
روزی علیه ما شهادت خواهند داد.

✽ اندکی درنگ

خود را تا چه اندازه برای قیامت آماده کرده‌ایم؟ کارهای خود را محاسبه و ارزیابی کنیم؛ اگر موفقیم، شکرگزار خداوند باشیم و بدون آنکه مغرور شویم، بر تلاش خود بیفزاییم و اگر کمتر احساس موفقیت می‌کنیم، تصمیم بگیریم گذشته را جبران کنیم و برای موفقیت از خداوند کمک بخواهیم.

اندیشه و تحقیق

- ۱- شاهدان اعمال مادر قیامت چه کسانی هستند؟
- ۲- برخی از وقایعی که در مرحله دوم قیامت رخ می‌دهد، بیان کنید.

بیشتر بدانیم

سبک بار شوید!

امام علی علیه السلام :

قیامت پیش روی شما و مرگ در پشت سر، شما را می‌راند. سبک بار شوید تا برسید^۱. همانا آنان که رفتند در انتظار رسیدن شمایند.

نهج البلاغه، خطبه ۲۱

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
مواقف حشر	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم
قیام قیامت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم

۱- سید رضی، جمع‌آوری کننده سخنان حضرت علی علیه السلام در پایان این خطبه می‌گوید: این سخن امام پس از سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله با هر سخنی سنجیده شود، بر آن برتری دارد و از آن پیشی می‌گیرد و از جمله «سبک بار شوید تا برسید» کلامی کوتاه‌تر و برمعنی‌تر از آن شنیده نشده است؛ چه کلمه ژرف و بلندی و چه جمله برمعنی و حکمت‌آمیزی است!



وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
 إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ
 ٦٨ ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَءَ
 بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
 ٦٩ ﴿٦٩﴾ وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ
 ٧٠ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَوهَا
 فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ
 مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ
 لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
 عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِيدِينَ
 فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا
 رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا
 وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
 ٧٣ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ
 نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

سورة زمر، آیات ۶۸ تا ۷۴

و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است - جز آن کس که خدا بخواهد - بیهوش درمی‌افتند؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و بی‌درنگ آنان به پا می‌خیزند و می‌نگرند [که با آنها چه خواهد شد]. ۶۸

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند. ۶۹

و هر کسی [نتیجه] آنچه انجام داده است به تمام بیاید و او به آنچه می‌کند دانای است. ۷۰

و کسانی که کافر شده‌اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگاهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟ گویند چرا؛ ولی [به دلیل اعمالمان] فرمان عذاب بر کافران محقق شد. ۷۱

و گفته شود از درهای دوزخ درآید جاودانه در آن بمانید. و چه بد [جایی] است جای سرکشان. ۷۲

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگاهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآید [و] جاودانه [بمانید]. ۷۳

و گویند سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم چه نیک است پاداش اهل عمل [به دستورات الهی]. ۷۴

دوره هشتم فرجام کار

در درس گذشته خواندیم که هنگام وقوع قیامت، چه حوادثی اتفاق می‌افتد و دادگاه عدل الهی، چگونه تشکیل می‌شود.

در این درس می‌خواهیم با بهره‌مندی از قرآن کریم و سخنان معصومان، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم:

- ۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت، چگونه است؟
- ۲- چه رابطه‌ای میان اعمال ما و نوع پاداش و جزای آخرت، وجود دارد؟

۱- جایگاه نیکوکاران

اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کنند؛ بهشت آمادهٔ استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سر رسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.^۱ یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است.^۲ از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند^۳ و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید.^۴ بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعدهٔ خود وفا و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد.^۵ هر یک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هر چه دل‌هایشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.^۶ خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است.^۷ علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.^۸

بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جملهٔ «خدا یا! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند.^۹ بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛^{۱۰} یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگويان، شهیدان و نیکوکاران‌اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند.^{۱۱}

۱- کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۴، ص ۴۵۱

۲- خصال، شیخ صدوق، باب هشتاد، ص ۴۰۷

۳- سورهٔ رعد، آیهٔ ۲۳

۴- سورهٔ زمر، آیهٔ ۷۳

۵- سورهٔ زمر، آیهٔ ۷۴

۶- سورهٔ زخرف، آیهٔ ۷۱

۷- سورهٔ فاطر، آیات ۳۴ و ۳۵

۸- سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۲

۹- سورهٔ یونس، آیهٔ ۱۰

۱۰- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۲۷

۱۱- سورهٔ نساء، آیهٔ ۶۹

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.^{۲۱}

تدبر

با تدبر در ترجمه آیات زیر بگویید که اگر ما هم بخواهیم در زمره بهشتیان باشیم باید در دنیا چگونه زندگی کنیم؟

■ امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود بخشد، برای آنها باغ‌هایی از بهشت است.

سوره مائده، آیه ۱۱۹

■ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای متقیان آماده شده است؛ همان‌ها که در زمان توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی می‌شوند، یا به خود ستم می‌کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند.

سوره آل‌عمران، آیات ۱۳۵-۱۳۲

■ و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آنها که به راستی ادای شهادت کنند و آنها که بر نماز مواظبت دارند، آنان در باغ‌های بهشتی گرامی داشته می‌شوند.

سوره معارج، آیات ۳۵-۳۲

.....
.....
.....

۱- سوره واقعه، آیات ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ سوره الرحمن، آیات ۷۰ تا ۷۷
۲- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ معادشناسی از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد» استاد قرائتی مراجعه کنید.

جایی که در آن ملال و دلزدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی پیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دلزدگی بهشتیان نخواهد شد؟

منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی تکراری و خسته کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته کننده می‌شوند این است که :

اولاً دامنه لذات مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت طلب و بلندپرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی یکنواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان‌ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است.

ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین رو هیچ هدف یا لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد. از این رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و قرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ یک نمی‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. اما در بهشت، انسان خواسته حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است را، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت طلب او از مواهب پایان‌ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید :

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

در آن [بهشت ابدی] جاویدان‌اند و خواستار

هیچ‌گونه دگرگونی نیستند.^۱

۲- جایگاه دوزخیان

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند^۱ و درحالی که در غل و زنجیر بسته شده اند، در جایگاهی تنگ افکنده می شوند.^۲

آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می کشد.^۳

در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می شود و می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و پیامبر او را اطاعت می کردیم.^۴ ای کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت.^۵ دروغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی هایی که در دنیا کردیم!^۶

آنان به خداوند می گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می دهیم.^۷

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هرکس می خواست به راه راست آید؟^۸ ما می دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می گیرید.^۹

آنان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند.^{۱۰} شیطان می گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.^{۱۱} به نگهبانان جهنم رو می آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان می گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی پذیرند و درخواستشان را بیجا می دانند.^{۱۲}

تدبیر

ترجمه آیات صفحه بعد به توصیف برخی از ویژگی های جهنمیان می پردازد. با تدبیر در آنها بیان کنید که چه زمینه هایی می تواند شما را به سوی جهنم بکشاند؟ آنها را بیابید و برنامه ای برای از بین بردن آن زمینه ها تنظیم کنید.

۳- سوره همزه، آیات ۴ تا ۷

۶- سوره انعام، آیه ۳۱

۹- سوره انعام، آیه ۲۸

۱۲- سوره غافر، آیات ۴۹ و ۵۰

۲- سوره فرقان، آیه ۱۳

۵- سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹

۸- سوره فاطر، آیه ۳۷

۱۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۲

۱- سوره زمر، آیه ۷۱

۴- سوره احزاب، آیه ۶۶

۷- سوره مؤمنون، آیات ۶ و ۱۰ و ۱۰

۱۰- سوره احزاب، آیه ۶۷

■ جهنمیان می‌گویند: ما در دنیا نماز نمی‌خواندیم و از محرومان دستگیری نمی‌کردیم؛ همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می‌شدیم و روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم.

سوره مدثر، آیات ۴۷-۴۰

■ برای کسانی که کارهای زشت انجام دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسد می‌گوید: الان توبه کردم، توبه نیست و اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کردیم.

سوره نساء، آیه ۱۸

■ (جهنمیان) پیش از این (در دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند.

سوره واقعه، آیات ۴۶-۴۵

.....
.....

رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟
رابطه میان عمل و جزای آن، سه‌گونه است:

۱- قراردادی: گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. رابطه میان آن کارها و این‌گونه پاداش‌ها و کیفرها، یک رابطه قراردادی است و انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- طبیعی: گاهی پاداش و کیفر، محصول طبیعی خود عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد، به امراض گوناگونی مبتلا

می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می‌یابد یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است.

۳- تجسم عمل: نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از دو نوع قبلی است. همان‌طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت‌بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان باطن اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به‌عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که ربا می‌خورد و یا مال یتیمی را به ناحق تصاحب می‌کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا برملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا آتش آشکار نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود، حقیقت و باطن عمل عیان می‌گردد و آتش از درون او زبانه می‌کشد.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ

کسانی که می‌خورند

أَمْوَالِ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا

اموال یتیمان را از روی ظلم

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند

و سَيَصْلُونَ سَعِيرًا

و به‌زودی در آتشی فروزان درآیند.^۱

رسول خدا ﷺ در ضمن نصایحی که به یکی از یاران خود می‌کرد، فرمود:

«برای تو ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد و با تو دفن می‌شود... آنگاه آن هم‌نشین در رستاخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایهٔ انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌شود. آن هم‌نشین، کردار توست».^۲

۱- سوره نساء، آیه ۱۰

۲- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۲۲

بنابراین در عرصهٔ قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود؛ بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عمل خود را می‌بیند.

بیشتر بدانیم

چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می‌کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می‌نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می‌گذاشت.

تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنان‌که همه‌جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می‌کرد و همواره وی را به دیگران نشان می‌داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و به سراغ رفاقت با دیگران برود.

رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی روبه‌رو می‌شد به سراغ او می‌رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می‌داد و موجب دلگرمی او می‌شد.

رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می‌کرد و پاسخ محبت‌های بی‌دریغ او را می‌داد.

روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنی است. زندگی مرفه و اشرافی خود را از جلوی چشمانش گذراند و با خود گفت: اگرچه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بمیرم تنهای تنها خواهم شد.

از این رو، رفقایش را به نزد خود فراخواند. ابتدا رو به رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای تو بهترین‌ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می‌آیی و مرا در این سفر همراهی می‌کنی؟

رفیق چهارم گفت: به هیچ وجه، و راه خود را گرفت و رفت.

با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلافاصله گفت: نه، نمی‌توانم. تصمیم دارم پس از مرگت با کس دیگری طرح رفاقت بریزم.

تاجر رو به رفیق دومش کرد و مصرانه گفت: من هرگاه کمک خواسته‌ام، تو یاورم بوده‌ای. آیا این بار هم مرا یاری می‌کنی؟

رفیق دوم با ناراحتی گفت : این بار نمی توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می دهم و طلب آمرزش می کنم.

حرف های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.
ناگاه ندایی شنید : من با تو می آیم، من تو را همراهی می کنم، هر جا که بروی با توام.
تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه ای نشسته بود. تاجر با شرمساری دست نحیف او را گرفت و گفت : حالا می فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را می دانستم و همه دارایی ام را به پای تو می گذاشتم.

این داستان واقعی زندگی همه ما انسان هاست :
رفیق چهارم ما، جسم ما است که همه چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می کنیم؛ اما پس از مرگ، خیلی زود ما را ترک می کند.
رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می میریم، بلافاصله به دیگران می رسد.
رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان حیات، پس از مرگ فقط تا قبر ما می توانند بیایند.
و رفیق اول ما، که ما آن را فراموش کرده ایم و در پی کسب ثروت و رفاه و لذایذ جسمانی، هیچ گاه به فکرش نبوده ایم و فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می کند. او کسی نیست جز...

- ۱- چرا در کیفر و مجازات اخروی ظلم راه ندارد؟
- ۲- چه تفاوت‌هایی میان ویژگی‌های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت‌ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱
۲
۳
۴
۵

- ۳- رسول خدا ﷺ فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ»^۱.
 یک کشاورز ماهر برای اینکه زراعت پر محصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می‌کند:
- ۱- زمین مناسب انتخاب می‌کند.
 - ۲- بذر سالم تهیه می‌کند.
 - ۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می‌کند.
 - ۴- زمین را از علف‌های هرز، پاک می‌کند.
 - ۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.
- اگر «دل» بهترین و مناسب‌ترین زمین برای کشت محصول آخرت است، چهار شرط دیگر کدام‌اند؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-

۱- تبيينه الخواطر، ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۸۳

فرزند آخرت باش

حضرت علی علیه السلام :

آگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقی مانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می آید. دنیا و آخرت، هر یک فرزندانانی دارند. بکوشید از فرزندان آخرت باشید، نه دنیا. زیرا در روز قیامت هر فرزندی به پدر و مادر خویش باز می گردد. امروز هنگام عمل است و حسابی در کار نیست و فردا روز حسابرسی است و عملی در کار نیست.

نهج البلاغه، خطبه ۴۲

فقط یک بار!

فقط یک بار به دنیا می آیی،

فقط یک بار خداوند زندگی را به تو هدیه می کند؛

اما، در سزایی دیگر همواره خواهی بود؛

اگر این فرصتِ یک باره را از دست دهی،

چه خواهی کرد؟

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
دانش آموز / معلم	کانون اندیشه جوان	محمد شجاعی	تجسم عمل و شفاعت

قدم در راه

۲

بخش دوم

خدایا!
می‌دانم که بهترین توشهٔ مسافر کوی تو
عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشم.^۱
امام کاظم علیه السلام



۱- مفتاح الجنان، دعای روز ۲۷ ماه رجب

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ
 وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣١﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ
 وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغِيظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ
 وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً
 أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ
 وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿١٣٣﴾ أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ
 ﴿١٣٤﴾ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٥﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى
 وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٦﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ
 إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٧﴾ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ
 مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ
 آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ
 ﴿١٣٨﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ ﴿١٣٩﴾

سورة آل عمران، آیات ۱۳۳ تا ۱۴۱

و بشناید برای دست یافتن به آموزشی از پروردگار خود و بهشتی که وسعتش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [که] برای پرهیزگاران آماده شده است. ۱۳۳

[همان] کسانی که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از [خطای] مردم درمی‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. ۱۳۴

[همان] کسانی که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آموزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمزد. و بر آنچه مرتکب شده‌اند، دانسته پافشاری نمی‌کنند. ۱۳۵

آنان پاداششان آموزشی از جانب پروردگارشان و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن، جویبارها روان است؛ جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل [به دستورات الهی] چه نیکوست. ۱۳۶

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. ۱۳۷

این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است. ۱۳۸
و سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید اگر مؤمن باشید. ۱۳۹

اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم [دشمنان] را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا مردم پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. ۱۴۰

و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص گرداند و کافران را نابود سازد. ۱۴۱



درس نهم

آهنگ سفر



اکنون که با آیندهٔ انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه‌ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سرانجامی این‌گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.

پس لازم است بدانیم:

برای آنکه در این برنامه‌ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟

برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم :

۱- **تصمیم و عزم برای حرکت** : عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید :

بر آنچه (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن
 که این از عزم و اراده در کارهاست.^۱

وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ
 اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ

❖ مقایسه

انسان‌هایی را که دارای عزم قوی هستند، با انسان‌هایی که عزم و اراده ضعیف دارند، مقایسه کنید و فرق آنها را با یکدیگر بنویسید.

دارای عزم ضعیف	دارای عزم قوی
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.
۴.	۴.

۲- **عهد بستن با خدا** : کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به

۱- سورة لقمان، آیه ۱۷

این هدف در دین مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند. چقدر زیباست که خداوند، راه رستگاری ما را با رضایت خود همراه ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم.

درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم

- اول: برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.
- دوم: عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

تدبیر

در ترجمه آیات زیر بیندیشید و براساس آن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

■ و هرکس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

سوره فتح، آیه ۱۰

■ کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آنهاست.

سوره آل عمران، آیه ۷۷

■ به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

سوره بقره، آیه ۴۰

الف) آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟

۱- ۲-

۳- ۴-

ب) عمل به عهد و پیمان‌های خود با خدا، چه ثمراتی دارد؟

۱- ۲-

۳- **مراقبت**: باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی علیه السلام می فرماید: **گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم ها و کارها می شود.**^۱ به طور مثال، کسی عهد می بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می شود، از سر راه بردارد.

❁ بررسی

چه عواملی می تواند مانع اجرای تصمیم شود؟ برخی از آنها را نام ببرید:

- ۱-
- ۲-
- ۳-

۴- **محاسبه و ارزیابی**: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا می دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا

«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند».^۲

۱- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ج ۴، ص ۶۲۶

۲- وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۱۶، ص ۹۹

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم براساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند:

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فروسته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟^۱

تفکر در احادیث

در جدول زیر، سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است.^۲ در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
.....	۱- مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَىٰ عِيُوبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُيُوبَ
.....	۲- تَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صَلَاحُ النَّفْسِ
.....	۳- مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷، ص ۶۹

۲- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ص ۲۳۶



نامه‌ای برای نجات

در زمان حیات مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه، نویسنده تفسیر المیزان، جوانی درباره مشکلات خود نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و می‌گوید:

... جوانی هستم ۲۲ ساله؛ در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمال بر من تسلط فراوان دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب بازماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. درخواستی که از شما دارم این است که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم... نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای پیروزی، لازم دارم.

علامه طباطبایی، به این جوان این‌گونه پاسخ می‌گویند:

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه پردازید. به این نحو که هر روز، طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که هر عملی پیش آید، رضای خدا را مراعات خواهیم کرد... و همین حال را تا شب، وقت خواب ادامه دهید. وقت خواب، چهار - پنج دقیقه‌ای به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده؛ یکی یکی از نظر بگذرانید، هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر کنید و هر کدام تخلف شده، استغفار کنید و این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش اگرچه در بادی حال [ابتدای کار]، سخت و در ذائقه نفس تلخ می‌باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است...^۱

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است».^۲

۱- نامه‌های عرفانی، علی محمدی، ص ۷۸۱

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است. ■ ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و... از ارزش‌هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد.

به طور مثال، امام حسین علیه‌السلام از پدر گرامی خود نقل می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منزل، اوقات خود را سه قسمت می‌کرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.^۱

برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می‌آید.

■ همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

امیر المؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان می‌فرماید:

آگاه باش برای هر پیروی‌کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.^۲

۱- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص ۸۱

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵

دفتر برنامه‌ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه‌های زندگی خود را به‌طور منظم در آن یادداشت نمایید. این دفتر می‌تواند شامل دو قسمت باشد:

۱- عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می‌شود. ۲- برنامه‌ها و عهدهای روزانه یا هفتگی. بهتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش‌های معین باشد که بتوانید به راحتی آنها را پیگیری کنید و در آن اصلاحات لازم را به‌عمل آورید. به‌طور مثال، برای برنامه‌های روزانه یا هفتگی می‌توانید مانند جدول عمل کنید.

مورد عهد:		تاریخ:		
مراقبت: نکاتی که در طول عمل به این عهد، باید رعایت کنیم:				
۱-				
۲-				
محاسبه:				
زمان	میزان موفقیت	عوامل موفقیت	عوامل شکست	راه‌های کسب موفقیت بیشتر

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
رازهای زندگی	مرتضی نظری	منادی تربیت	دانش‌آموز
نامه‌های بلوغ	علی صفایی حائری	لیلة‌القدر	دانش‌آموز
سیمای روزانه فرد مسلمان	محراب صادق‌نیا	مرکز پژوهش‌های صداوسیما	دانش‌آموز / معلم
تصمیم‌های بزرگ جوانی	محمدباقر پورامینی	کانون اندیشه جوان	دانش‌آموز
این‌گونه باشیم	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش‌آموز
القبای زندگی	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش‌آموز / معلم

اگر در مسیر گام برداشتن به سوی خدا، سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به چه کسانی مراجعه کنیم؟
 به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی در مسائل دینی را دارند، مانند دبیران دینی و قرآن، امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آنها در میان بگذاریم.

برخی از این مراکز علمی عبارت‌اند از:

- ۱- اداره مشاوره و پاسخ‌نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
Porseman.org
- ۲- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان
www.Tebyan.net
- ۳- پایگاه اینترنتی حوزه
www.hawzeh.net
- ۴- پایگاه جامع پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی
www.eporsesh.com
- ۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن
www.Porsemanequran.com
- ۶- مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی
www.Pasokhgoo.ir
- ۷- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی قم
www.andisheqom.com
- ۸- پاسخ به سؤالات شرعی بانوان
www.behdokht.ir
- ۹-
www.Islamquest.net
- ۱۰-
www.erfan.ir
- ۱۱-
www.Javab.ir

بیشتر بدانیم

عمل کنید، عمل؛ آن را ناتمام نگذارید و به پایان برسانید. و در تصمیمی که گرفته‌اید استقامت بورزید، استقامت. صبور باشید، صبور. پرهیزکاری پیشه کنید، پرهیزکاری. قطعاً برای شما است پایانی [بهشت]، پس خود را به آن پایان برسانید.

با انجام آنچه خداوند از حق خود بر شما واجب کرده است وظایفی که برای شما بیان داشته است، به خداوند روی آورید. من شاهد شمایم و روز قیامت به نفع شما شهادت خواهم داد.

نهج البلاغه، حکمت ۱۷۸

اندیشه و تحقیق

- ۱- برای ثابت قدم ماندن در مسیر قرب به خداوند چه اقداماتی لازم است؟
- ۲- مقصود از اینکه رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟